فهرست مطالب

جمع‌بندی رفق و مدارا 2

سطوح توان متربی 2

انواع روابط انسانی 3

نسبت رفق با اصل رعایت توان 4

مدارای خاص و عام 5

حکم رفق و مدارا 5

اصل تدریج 6

مراحل رشد و تربیت 6

رعایت تفاوت‌های فردی 7

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع: اصول و روش‌های تربیتی/ اصل قدرت و استطاعت مربی و متربی (رفق و مدارا)**

## جمع‌بندی رفق و مدارا

در بحث جمع‌بندی رفق و مدارا بحث می‌کردیم. در بحث‌های قبل سه محور را بحث کردیم:

 1) رعایت توان متربی در خودسازی و تهذیب نفس که مقداری بحث شد؛

 2) رعایت توان افراد در ارتباطات عام اجتماعی که مقداری بحث شد؛

 3) رعایت توان افراد در مقام تعلیم و تربیت، بین مربی و متربی و مقام تبلیغ و هدایت که محل اصلی بحث ما بود.

محور اول مربوط به فقه التزکیه است. محور دوم مربوط به فقه العلاقات العامه است که هنوز به نحو کامل تولید نشده است و محور سوم مربوط به فقه التربیه است که نیمه‌بند در حال شکل‌گیری است.

دیروز گفتیم که دو محور دیگر هم هست که جای بحث دارد:

4) محور چهارم اینکه گفته می‌شود شارع مقدس در مقام تکلیف کردن، رعایت توان مکلفان را کرده است، این تا چه حدی بوده است؟ باید دید در ادیان قبلی چگونه بوده است؟ در اسلام چگونه است؟ درجه حرج و ضرر تا چه حدی است؟ این مسأله جای بحث بیشتر دارد.

5) محور دیگر رعایت توان مردم در مقام حاکمیت، اعمال ولایت و تدبیر امور جامعه است. این هم جای بحث و کار زیاد دارد. هر روز نظام اسلامی نیاز دارد در تصمیمات حکومتی رعایت توان افراد را بکند و اینکه چه جایگاه دارد، تعیین شود.

### سطوح توان متربی

پس پنج مسئله شد که سه مورد را بحث کردیم. این موارد عبارت‌اند از:

1ـ رعایت توان و ظرفیت مکلفین از ناحیه شارع؛

2ـ رعایت توان و ظرفیت خود شخص در اعمال عبادی و تکالیف شرعی و خودسازی؛

3ـ رعایت توان و ظرفیت دیگران در مقام ارتباطات اجتماعی؛

4ـ رعایت توان و ظرفیت دیگران در مقام تعلیم و تربیت؛

5ـ رعایت توان و ظرفیت دیگران از ناحیه حکومت و در مقام اعمال ولایت و مدیریت جامعه.

عرض شد که محورهای دوم، سوم و چهارم نیازمند کتاب جدید فقهی است. کسانی باید در این ابواب فقهی ورود کنند. اگر «من به الکفایه» نباشد، برای افراد توانا که زمینه‌اش را داشته باشند، تکلیف عینی است که توانا شوند و به این مباحث ورود کنند. برای برخی واجب عینی می‌شود. البته هرکس باید به خود بنگرد و تکلیف خود را تشخیص دهد.

### انواع روابط انسانی

نکته دیگر این است که در بحث رعایت توان و ظرفیت در روابط عام اجتماعی و رعایت شرایط رفق و مدارای اجتماعی، این رفق و مدارا ذیل این مباحث به دو قسم می‌شود:

1. روابط عام اجتماعی که دارای چهار سطح است:

1.1. روابط انسان با انسان دیگر، بما هو انسان.

1.2. روابط انسان با اهل کتاب.

1.3. روابط انسان با مسلمانان عادی.

1.4. روابط انسان با مؤمنان و شیعیان.

2. روابط خاص که به آن نپرداختیم مانند؛

2.1. روابط استاد و شاگرد؛

2.2. روابط پدر و مادر با فرزند و بالعکس؛

2.3. روابط همسران؛

2.4. روابط با همسایه؛

2.5. و ...

هرکدام از این روابط به دلیل تأکیدات روایی، نیاز به بحث مفصل دارد.

### نسبت رفق با اصل رعایت توان

مسأله دیگر رابطه و نسبت رعایت توان متربی با رفق و مدارا است. جسته‌وگریخته به این بحث اشاره شد ولی عرض می‌کنیم:

دو بحث است؛ یکی رعایت توان متربی در مقام تعلیم و تربیت، دستورات و روش‌ها و دیگری بحث مدارا و رفق است که با چارچوب‌هایی گفته شد. این دو مفهوم چه نسبتی باهم دارند؟

روشن است که رعایت توان متربی اعم است از بحث رفق و مدار زیرا در بسیاری از جاها رعایت توان متربی امور را تنظیم می‌کند، مثلاً در روش تشویق و تنبیه و ... رعایت توان و ظرفیت مخاطب و متربی را در نظر می‌گیرند درحالی‌که مفهوم رفق و مدارا در کار نیست. در رعایت توان و ظرفیت متربی، بازتاب‌های امروز و فردای فرد را در نظر می‌گیرد. مبادا در آینده نتیجه خلاف بدهد. پس رعایت ظرفیت و توان اعم از رفق و مدارا است. رفق و مدارا یکی از جلوه‌های توان متربی است.

سؤال دیگر این است که آیا می‌شود که رفق و مدارا از توان بالاتر باشد؟ آیا رابطه «من وجه» است؟ در مقام مفهوم قابل تعمیم است. کار را با ظاهر نرمی انجام دهد اما بیش از حد توان انسان باشد، این در مقام مفهوم جا دارد اما روایات متعدد که خوانده شد، همه روایات ظهور در رفق و مدارایی داشت که فرد توان داشته باشد. مراد رفق و مدارایی است که توان شخص در آن رعایت شود.. رعایت توان فرد اعم است از رفق و مدارا. این هم از رابطه و نسبت بین رفق و مدارا و رعایت توان فرد.

### مدارای خاص و عام

مسأله دیگر که مهم بود این است که رفق و مدارا دو معنی دارد:

1. معنای عام؛

معنای عام رفق در مقابل تندی و پرخاشگری است.

2. معنای خاص؛

معنای خاص رفق فراتر از عدم پرخاشگری است بلکه همراه با لطافت و ظرافت رفتار کردن است. تفکیک این دو معنی مهم بود. احکام هر دو با هم متفاوت است.

دومی معمولاً مستحب است اما در مقام تعلیم و تربیت با توجه به آیه‌ی شریفه «**وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَليظَ الْقَلْبِ لاَنْفَضُّوا مِنْ حَوْلِك**‏»[[1]](#footnote-1) عدم پرخاشگری غالباً واجب است. پس علی‌الاصول معنای اول واجب و معنای دوم مستحب است. البته هرکدام تبصره و استثنا هم دارد.

### حکم رفق و مدارا

مطلب دیگر آن است که در برخی فروض رفق و مدارا واجب بود و در بعضی فروض حرام می‌شد. رفق و مدارا در واجبات و مستحبات فرق داشت. متن فتوای صاحب وسایل مدارا در مستحبات است ولی در واجبات هم هست اما ریزه‌کاری‌اش فرق می‌کند.

رعایت توان به معنای عدم ضرر و عدم حرج و رعایت توان و ظرفیت بیان شد و حکم هرکدام اشاره شد.

از آنجایی که در مقام پایه‌ریزی بودیم، فروع دیگری هم ممکن است باشد که ما اشاره نکرده باشیم.

## اصل تدریج

مطلب جدید دیگر در رعایت توان و قدرت متربی، اصلی است که از اصول دیگر منشعب می‌شود که یکی از آن اصول رفق و مدارا است و دیگری اصل تدریج است.

تدریج را طرح می‌کنم، بحثش را احتمالاً امسال نرسیم.

تدریج چند معنا دارد:

### مراحل رشد و تربیت

1ـ یک معنای تدریج رعایت مراحل رشد شخص متربی است. مراحل رشد از قدیم مورد بحث بوده است. تدابیر المنازل ابن‌سینا، دانشمندان دیگر اسلامی از قبیل ابن سهنون و قابسی و ... در همه آثار آنان از مراحل رشد در تربیت مطرح شده است. در دوره جدید و در روان‌شناسی مراحل رشد و مراحل تربیت خیلی کار شده است.

مراحل رشد بچه‌ از جهات اینکه چه ادواری را طی می‌کند، طرح می‌شود. تدریج مبتنی بر مراحل است. مراحل دو بخش دارد که عبارت است از : 1) مراحل رشد، 2) مراحل تربیت.

مراحل رشد، در واقع بیان واقعیت است. رشد ذهنی، رشد عاطفی و احساسات، مسیر فکری و استعدادی. در تعلیم و تربیت باید به مراحل توجه و رعایت کرد تا بر اساس مراحل رشد باشد، در این مورد توصیه‌هایی می‌شود که باید رعایت شود.

لذا اصل تدریج که در تعلیم و تربیت مطرح می‌شود بر پایه مراحل رشد است. پس اینکه گفته می‌شود باید تدریج رعایت شود یعنی مراحل تربیت که مبتنی بر مراحل رشد است. تدریج به این معنا، یکی از شعب توان متربی است. همه روایات و احکام که بیان شد، اشاره دارد که ظرفیت فرد به تدریج شکوفا می‌شود.

### رعایت تفاوت‌های فردی

توان‌های افراد متفاوت است و باید این تفاوت‌ها رعایت شود. توان و طاقت در روان‌شناسی تعیین می‌شود و این باید رعایت شود. روان‌شناسی برای حکم تربیتی موضوع‌شناسی می‌کند. متربی در هر مرحله دارای توان خاص است. اصل توان در مراحل رشد بیان می‌شود. اصل رعایت توان متربی فرعی داشت که رعایت رفق و مدارا بود. فرع دیگر آن رعایت اصل تدریج است. تدریج هم فرعی دارد به نام مراحل رشد. نوع افراد مراحلی را طی می‌کنند.

شاخه دیگر باید ملاحظه شود عبارت است از رعایت تفاوت‌های فردی؛ دریک مقطع افراد با هم متفاوت هستند. تفاوت هوشی، تفاوت هیجانی و عاطفی و ... این تفاوت‌ها موجب تفاوت در توان افراد می‌شود لذا باید این تفاوت‌ها رعایت شود.

اصل، رعایت توان متربی است که بخشی از آن این است که در سنین مختلف شخص، بر اساس تفاوت‌های فردی مراحل رشد خودش را دارد.

پس مراحل دو قسم است:

1) مراحل رشد که رشته تخصصی‌شده و در تعلیم و تربیت مؤثر است و باید رعایت آن مدنظر باشد.

2) رعایت تفاوت‌های فردی؛ آدم‌ها باهمدیگر فرق دارند.

از طرفی تفاوت‌ها دو دسته هستند:

1) تفاوت‌های ثابت؛

2) تفاوت‌های متغیر که تدریجاً کم و زیاد می‌شود.

مراحل رشد بر اساس مراحل کلی رشد است که مسیر سنین را ترسیم کرده است.

با قطع‌نظر از مراحل رشد، هر فرد مراحل رشد خاص خویش را دارد و با بقیه افراد متفاوت است. پس احیاناً برخی مراحل رشد خاص خود را دارند.

اصل تدریج در هر دو راه دارد:

در بحث آموزش فلسفه در کتاب فلسفه اشاره کردیم که منع کردن از خواندن فلسفه توسط برخی از علماء و بزرگان یکی از چند دلیل بوده است:

1. برخی مخالف فلسفه بوده‌اند.

2. بعضی از علماء مخالف فلسفه نبودند بلکه توجه داشتند که برخی افراد ظرفیت و توان کافی ندارند لذا معتقد بودند که فلسفه نباید عمومی شود.

3. بعضی از علماء مخالف فلسفه نبودند بلکه معتقد بودند به دلایل مختلفی آموزش فلسفه برای افراد اثرات مخرب داشته باشد.

آنچه در اصل تعلیم و تربیت به‌عنوان اصل رعایت توان متربی مطرح شد، شاخه‌های مختلف دارد که بخشی را اشاره کردیم.

1. . آل‌عمران، 159 [↑](#footnote-ref-1)